

دگرگونی جهان

با شعار زیبا

علی ذوعلم به عنوان دبیر نشست بررسی سند توسعه پایدار ۲۰۲۰ گفت: «نظام سلطه برای استمرار و تعمیق نفوذ همه‌جانبه خود در کشورهای جهان و مداخله در الگوی سیاستگذاری آنها برای توسعه، راهبرد جدیدی را در پیش گرفته تا بتواند جایگاه برتر خود را در عرصه‌های مختلف حفظ کند. سند ۲۰۲۰ ترجمه‌سندی است که در سازمان ملل در دو سال قبل به عنوان یک بیانیه مطرح بود که ترجمه فارسی آن توسط کمیسیون ویژه یونسکو در ایران انجام شده و ۱۷ هدف اصلی توسعه پایدار در آن مطرح شده‌ است. شعار زیبایی این سند دگرگون کردن جهان ماست اما این سوال مطرح است که این دگرگونی به چه نحوی و به نفع کیست؟ رسالت نخبگان ما این است که در مورد این رویکرد و راهبرد در قالب جدید و گسترده‌تر و بلندمدت به نظم غیر عادلانه حاکم بر جهان هشیار سازی کنند.»

تذکر سوئد به ایران درباره کنوانسیون کودک

حمید پارسانیا، استاد دانشگاه در نشست بررسی سند توسعه پایدار ۲۰۲۰ گفت: «من احساس می‌کنم در این حوزه مشکل بیش از آنکه اسناد سازمان ملل باشد، مشکل داخلی ماست. این مشکل بزرگ‌تری است که عده‌ای می‌خواهند جا پای در اسناد بین‌المللی پیدا کنند. ما سند ۲۰۳۰ را کانسون برنامه‌ریزی و اقدام در کشور قرار داده‌ایم در حالی که اسناد داخلی به حاشیه رفته‌اند و ذیل آن تعریف شده و با آن منطبق می‌شوند. حتی به مراجع هم گفته شده که چگونه می‌توان فتاوا را بنا این اسناد هماهنگ کرد. ما تحفظ‌هایی را در این سندها اعلام کرده‌ایم اما هیچ سازوکاری برای اعمال این تحفظ‌ها نداریم. به عنوان مثال ۲۰ سال است که ما مفاد کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده‌ایم اما مصادره تحفظ را مشخص کرده‌ایم. حتی سوئد به ما تذکر داده که این تحفظ‌هایی که اجمالا نشان داده‌اید اصلا تحفظ نیست.»

۷۰ سال پس از انتشار «تسخیر تمدن فرنگی»

ترجیح تسخیر غرب بر غرب‌زدگی

هناوید، هم ارباب رستم کرمانی هموطن ماست و هم شیخ عبدالرسول قائنی، هم صفات خوب داریم و هم بد. تیزهوشیم، کاهلیم، بدله‌گوئییم، زودآشناییم، بی‌قیدوبی‌کینه‌ایم، تملق‌دوست و ظاهرپرستیم، به کلیات بیش از جزئیات و به لفظ بیش از معنا دل می‌دهیم. گاه یونان دوست و گاهی عرب پرستیم. یک روز مدح شاه و وزیر و معشوق و معشوقه‌ترک شعر می‌گوییم، و روز دیگر فرنگی را به دوستی اختیار می‌کنیم، و بچه وار، راه پیشرفت خود را از اومی پرسیم. ...»
- «تسخیر تمدن فرنگی قتل می‌خواهد و تدبیر و علی‌الخصوص اراده قوی و عزم راسخ و در میدان این جنگ از غوغای یک مشت سرگردان بی‌رای آشفته فکر غیر از شکست و ضرر چیزی حاصل نخواهد شد.»

«فکلی و مبلغ، یعنی آخوند فرنگی [کنایه از روشنفکران غرب‌زده] بیش از هر کس فکر ما را آشفته کرده‌اند. اکثر عقاید سخیف راجع به بدی الفبای فارسی و مخالفت اسلام با ترقی از این دو ظهور کرده و در افواه افتاده است. ... آخوند فرنگی دشمن علم و مروج خرافات فرنگی است و گرنه از میان چندین هزار هزار کتاب فرنگی، ترجمه افسانه‌های جهودان را برای ما به ارمان نمی‌آورد.»

- «تمدن یعنی کوشش در افزودن کیفیت این عرم زودگذر نه کاستن از آن.»

- «چه عیبی هست در آن که ایرانی هم نوشته علما و فضایی فرنگی را بخواند و هم از شعر انوری و نظامی لذت ببرد.»

- «بیدار و آگاه باشید تا حق شما را ضایع نکنند و میراث گرانبهای شما را بر باد ندهند.»

- «آشنایی ما با اوبانواع تمدن فرنگی و اقتباس از هر نوعش کاری بی‌سابقه نیست.»

- «آنکه می‌خواهد تمدن فرنگی را برای ایران مسخر کند و رهبر قوم خود شود لااقل باید بداند که ایران سه چهار هزار خانه بدساخت و خوش ساخت شمال تهران و ملت ایران مرکب از ۵۰۴۰ هزار تاجر خرج تراش گریزپا و شیخ و فقیه دین فروش وظیفه‌خوار ووکیل ووزیر عشرت‌طلب فقیر گداز نیست.»

- «فایده‌آشنایی به تمدن فرنگی آن است که طریق کار او را بیاموزیم و مطابق آن عمل کنیم نه آن که به تقلید او بپردازیم و به جای زبان و تاریخ خود، زبان و تاریخ او را یاد بگیریم.»

- «آنکه مدعی اصلاح امور ایران و ترویج تمدن فرنگی است باید هوش و حافظه و قوه تشخیص و مقایسه و ذوق و فهم و دانش و ادراک بیش از فرد عادی داشته و به تأییدات الهی موبد باشد.»

- «من از تعصب گریزانم و با کسی که دشمن فارسی و خصم ایران و مانع راه‌تسخیر تمدن فرنگی باشد، نزاعی و جدالی ندارم.»

- «اگر روزی از میان ملت بزرگ دانشمندی، فرزانه‌ای، داهیه‌ای برخیزد و به دلیل و برهان بر اکثر فضایی این مملکت ثابت کند که تغییر خط و لغت و محو آثار تمدن اسلامی و هر نوع تغییر دیگری به مصلحت ایران و شرط لازم پیشرفت و تسخیر تمدن فرنگی است، اول کسی که با او بیعت کنند من باشم.»

- «بایدید تا در آستانه عظمت معنوی ایران و زبان ایران اعتراف کنیم که مانیز خود گناهکاریم، چراکه از تمدن ایرانی و از فارسی غافلیم و از تمدن فرنگی به دیدن سایه‌ای در ظاهر قانعیم.»

- یکی بی‌خبر از فرنگ و فرنگی، پیوسته از این دو حرف می‌زند و دیگری رشوه کافرومال مسلمان می‌خورد و در عین نامسلمانی از مسلمانی سخن می‌گوید.

- «توسعه‌طلبی و بر وسعت دامنه علم و فلسفه افزودن. در حق حکمرانی مطلق پادشاه شک کردند و او را نه خدا و سایه خدا شمردند و حکومت نزدیک به عدل و کم‌نقص دموکراسی را به میان آوردند و هموطنان من در گفته‌های باطل و نوشته‌های بی‌جگانه فکلی شک نکردند، لاجرم در دستش اسیر ماندند.»

تبلیغات اسلامی است.

کتاب «زیبایی در متون اسلامی» در ۲۹۶ صفحه و دو بخش با عناوینی همچون «کلیات و مبادی بحث» و «زیبایی در حوزه باورها» تهیه شده است. در بخش اول این کتاب موضوعاتی همچون «مفهوم شناسی»، «منشأ زیبایی»، «اطلاق و نسبیت زیبایی»، «ضرورت بحث» و «پیشینه بحث» به چشم می‌خورد. «زیبایی در حوزه الهیات» و «زیبایی در زندگی اخروی» از موضوعاتی هستند که در ذیل بخش زیبایی در حوزه باورها به آن پرداخته شده است. کتاب «زیبایی در متون اسلامی» به سفارش مرکز فرهنگی هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و توسط موسسه بوستان کتاب به مبلغ ۲۱۰۰۰ تومان منتشر شده است.



مساله استقلال در جهان فراملیتی

عادل پیغامی، استاد اقتصاد دانشگاه در نشست بررسی سند توسعه پایدار ۲۰۲۰ گفت: «اگر ما خود را به یک مصداق و یک موضوع که اسم آن سند آموزشی ۲۰۲۰ است محدود کنیم از اصل مساله غفلت کرده‌ایم. آنچه جدی است مقوله دیگری است که من اسم آن را توسعه حکمرانی جهانی می‌گذارم. با آغاز قرن ۲۱ شاهد رشد بحث استعمار فرانونین بوده‌ایم و هم اکنون اهداف توسعه پایدار تحت‌عنوان ۲۰۳۰ در ۱۷ هدف مطرح شده است. در حوزه اقتصادی و نظام پولی دنیا با یک نهاد بین‌المللی به نام FATF مواجه هستیم که حکمرانی جهانی را در دنیا بگیرد می‌کند. همچنین معاهده کیوتو در حوزه الاینده‌ها مطرح است و به نوعی در بحث‌های مختلف با استفاده از شاخص‌های توسعه انسانی به دنبال حکمرانی نرم هستند. استقلال و حیات ما هم اکنون در یک دنیای فراملیتی تعریف می‌شود. به‌طور موثر و فعال در فضای جهانی داشته باشیم و نباید حالت انزوا به خود بگیریم؛ چراکه محکوم به شکست هستیم.»

نفوذ فرهنگی ایران راه ورود غرب به آسیا

فرشته روح‌افزا در نشست بررسی سند توسعه پایدار ۲۰۲۰ گفت: «جای تاسف دارد که تحت سندی ایران مسئول برابری جنسیتی در آسیا و اقیانوسیه است. به این خاطر ایران انتخاب شده که کشور ما دارای نفوذ فرهنگی در دیگر کشورهاست و می‌تواند این امر را در آسیا و اقیانوسیه اجرایی کند. میلیون‌ها دلار بابت اجرایی شدن بند ۴ و ۵ آن، که مربوط به موضوع برابری جنسیتی است، به ایران پرداخت شده است. اگر خانواده اضمحلال پیدا کند، دیگر به بندهای دیگر سند احتیاجی پیدا نمی‌شود. دولت اخیرا لایحه خشونت را تنظیم کرده است که پیرو همان بحث برابری جنسیتی است. مسائلی از قبیل اجازه پدر، عدم حضور زنان در ورزشگاه‌ها، ازدواج زیر ۱۸ سال و... از مصادیق خشونت شمرده شده‌ است. مطمئنا سند ۲۰۲۰، سند نفوذ در محتوای فرهنگی ماست؛ چرا که غربی‌ها تعاریف خود را از الفاظ سند به کار می‌برند.»

نگاهی عمیق به یک بنای قرن بیست‌ویکمی

مراکز خرید نشانه‌ای از امیال انسان مضطر

در هر زیستگاه یک «قصر شیشه‌ای» بسازد تا کارکردهای بازارهای طاق دار لندن و لذت‌های تفرجگاه‌های زمستانی را زیر یک سقف جمع کند. تأمین بودجه و ساخت چنین بنایی بر عهده شهرداری بود، اما کاسب‌پیشگان هم می‌توانستند آزادانه امثال آن را بسازند، هرچند تعدادشان باید (محدود به اصل افکار عمومی) می‌بود. مداخه لوفت‌وافه (نیروی هوایی آلمان) بود که زمینه‌ساز تحقق چنین رویایی در بریتانیا شد.

ماهیت سوسیالیستی‌ای که در ماقبل تاریخ مراکز خرید می‌بینیم متعلق به یک «آن» سیاسی است که دورانش گذشته است. ولی خلق فضاهای مجزا و نظم‌یافته برای مصرف لزوما در جهت پیشبرد نیروهای بازار آزاد نیستند، بلکه می‌توانند مانع آن هم باشند. تبدیل مرکز خرید به یکی از مشهودترین جلوه‌های شهر خصوصی‌گرایی قرن بیستم، در دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰، پیش‌بینی نمی‌شد. این تاریخ‌الترناتینو مصرف‌تحت‌حمایت دولت، و نیز تاریخ انبوه‌سازی بدون خصوصی‌سازی، پایه‌های یکی از اساسی‌ترین دوگانه‌های سیاسی امروزی‌مان را می‌لرزاند. امروزه میان اغذیه‌فروشی‌های محصولات ارگانیک و مجموعه سوپرمارکت‌های حومه شهر یک مرز سیاسی قائلم؛ اما آن مراکز خرید اولیه داندل گیبسون و ویکتور گروئن هیچ کدام اینها نبودند و در عین حال هر دوشان بودند. مراکز خرید امروزی، فی‌نفسه، دنیایی از آن خود هستند: زمان و مکان این دنیا گویا منفصل است از آن بازی زمان و ازدحام پراشوب رایج در مرکز شهر. در این کارناوال‌های سرتاپا همه‌صنوعی، زمان و مکان زیر نور لامپ‌های فلورسنت رنگ می‌بازند. در مرکز خرید وست‌امونتون در آلبرتای کانادا، یک محله چینی‌ها، یک نمونه از خیابان بربن به سبک محله فرانسوی نشین نیواورلئان، و یک کپی برای ابراصل از کشتی سانتاماریا (بزرگ‌ترین کشتی در ناوگان کریستوف کلمب) ساخته‌اند.

در اوایل قرن بیستم، گروه‌های موسیقی‌زنده در فروشگاه‌های بزرگ با مشتریان هم‌قدم می‌شدند؛ اما مراکز خرید استانداردسازی موسیقی پس‌زمینه را هم به اوج خود رساندند. در سابقه این مراکز، بخش عمده «موسیقها همان آهنگ‌های مشهور اما اسلوونی که آهنگ «رضایت» از گروه رولینگ‌استونز را می‌نوازد) که ملودی کم‌صدایشان در این فضا به‌زحمت شنیده می‌شود. این موسیقی‌ها نوعا با سازهایی زهی که بانگ یا کوبه کمی دارند نواخته می‌شوند؛ که روان‌شناسان بازاریابی تضمین کرده‌اند این معجون کرختی محرک مصرف را در مشتریان پدید می‌آورد. این موسیقی را معمولا «مدیرتاسیسات» پخش می‌کند: همان که مسئول گرمایش، نورپردازی و برق مجموعه است و خود نیز تقریبا جزئی از معماری ساختمان محسوب‌می‌شود. فرآیند تهاجمی و انتقادناپذیر خصوصی‌سازی این فضاها منجر به اخراج بی‌خانمان‌ها و ممنوعیت تظاهرات عمومی در مراکز خرید شده‌است. با صدور یک سلسله‌ار آرای دیوان عالی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی

در پی تظاهرات‌های سیاسی در مراکز خرید، دیگر، حقوق آزادی بیان مربوط به «متمم اول قانون اساسی ایالات متحده» شامل مرکز خرید نمی‌شوند. دفترچه‌ای که در دهه ۱۹۷۰ برای طراحان مراکز خرید تدوین شد، دریچه‌ای جذاب به روی آن خشونت اجبارگری می‌گشاید که زیر آن زرمزه خوش‌آهنگ دستگاه‌های تهویه جریان دارد؛ این جزوه یادمان می‌آورد که توسعه مراکز خرید هم‌پای گسترش شورش‌های شهری و خشونت‌سیاسی در طبقن‌هرهایی بود که برخی محله‌هایش روزه‌روز بیشتر شبیه‌راغه‌می‌شدند.

این دفترچه می‌گوید که اگر «به نظر آمد گروهی از افراد شاید دست به کارهای خشونت‌بار بزنند، مرکز باید فوراً اقداماتی جهت محافظت از نواحی کلیدی اش انجام دهد» و «در این دهه، که بمب‌های آتش‌زا رایج شده‌اند، تجهیزات آتش‌نشانی اهمیت

ویژه‌ای دارند.» استانداردهای خصوصی‌سازی سلطه‌جویانه مراکز خرید در سطح جهان، لاید، پیشگامان سوسیالیست ساخت این گونه مراکز را پریشان خاطر کرده است. مرکز خرید بزرگ و کمابیش امپراتوری‌مانند «مال او آمریکا» در مینه‌سوتا، که روزگاری بزرگ‌ترین مرکز خرید دنیا بود، با ماشین فقط ۱۰ دقیقه‌ا از اولین مخلوق ویکتور گروئن در ادینبا فاصله دارد؛ اما شکاف تاریخی میان این دو بسیار مهیب است. برای من، که کودکی‌ام را در مناطق حومه‌شهری بریتانیا گذرانده‌ام، مرکز خرید به یک جزء محوری از زندگی‌ام تبدیل شده است. بسیاری از کودکان اولین بار با بانوئل را رویه‌روی سوپرمارکتی واقع در «میدان» بسیار بزرگ داخل شهر دیده‌اند؛ یا اولین شغلی که به‌دست آورده‌اند در یکی از فروشگاه‌های این میدان بوده است. به‌واقع، بخشی از اولین تجربه‌های مردم‌دیده، واکنش‌هایشان به تخریب مرکز شهرهای بریتانیا و آمریکا به‌دست مراکز خرید. اما چه کسی می‌دانست که یک‌فرم دیگر از خصوصی‌سازی، فرمی که انزوا را بیش از پیش تحمیل می‌کند، همین مراکز خرید را قربانی خود خواهد کرد؟

فرهیختگان، مراکز خریدی که اکنون عالم را به تسخیر خود درآورده‌اند، نمودی از زیست‌وهویت انسان دنیای مدرن هستند. نشانه‌ای از امیال انسان مضطر و از خودبیگان‌قرن بیست‌ویکمی. انسانی که در میانه‌زندگی خشن مدرن به دنبال پناهگاه و مفری است و لاجرم به مراکز خرید پناه می‌آورد. از طرفی صاحبان سرمایه که بشر مدرن را در قبضه خود نگه داشته‌اند از هر فرصتی برای مصرف بیشتر استفاده می‌کنند و این میل به مصرف را به صورت بخشی اساسی در سبک زندگی جوامع وارد کرده‌اند تا جایی که مراکز خرید و «مصرف» بخش لاینفکی از اوقات فراغت انسان مدرن را سامان داده‌است. «سم‌و درل» سوزه مراکز خرید را دستمایه‌تحریر مقاله زیر قرار داده است. این یادداشت با ترجمه محمد معماریان در وب‌سایت ترجمان منتشر شده‌ است.

صدها مرکز خرید بی‌روح، گوشه و کنار شهرهای آمریکا ریخته‌اند. مثلا در بازار بزرگ رولینگ‌ایکرز در شهر آکرون ایالت اوهایو که در ۲۰۰۸ به بعد خالی مانده است، فواره‌های خشک داخل فروشگاه و کنار آن درخت‌های مصنوعی سبز رنگ منظرهای دلپره‌آور ساخته‌اند. بسیاری از مراکز خرید دیگر هم به این قافله می‌پیوندند؛ پیش‌بینی می‌شود ظرف ۱۰ سال آینده، ۱۵ درصد از مراکز خرید آمریکا تعطیل شوند. بزرگ‌ترین مرکز خرید دنیا، نیوساوث‌جاینامال، در شهر دن گوان چین نیز یک مرکز خرید مرده‌است. این مرکز، که در سال ۲۰۰۵ افتتاح شد، هفت ناحیه‌اش را به‌خ تماشگران می‌کشید که هر کدام پیرنگی از یک شهر مهم جهان داشت و نسخه‌ای از طاق نصرت پاریس و یک آبراه ونیزی با چند قایق گاندول را روی آن به نمایش گذاشته شده بود. ۹۹ درصد این بازار از زمان افتتاحش تاکنون خالی مانده است.

فارغ از یک مجموعه فروشگاه‌فست‌فود کنار ورودی، این مرکز بیشتر به مجموعه‌ای از دالان‌ها، سینماها و چرخ‌ولفک‌های بیکار می‌ماند.

مراکز خرید - که در رقابت با خرید آنلاین، کاهش توان مشتریان، افزایش قیمت نفت و بازار منززل املاک کم آورده‌اند- دسته‌دسته جان می‌دهند. مدیرعامل یکی از شرکت‌های بزرگ سازنده مراکز خرید اخیرا هشدار داد که «طرف ۱۰ تا ۱۵ سال»، مرکز خرید «به یک جنس ناجور تاریخی تبدیل می‌شود: یک پدیده ناهمخوان و با عمر شصت‌ساله که دیگر پاسخگوی نیازهای عامه مردم نیست.» باستان‌شناسان، در آینده‌های دور، وقتی ویرانه‌های این بناهای عجیب و غریب را بکاوند، سخت به‌تکاپومی افتند تا جلوه‌های متناسب‌تر با وضعیت مادر در اواخر قرن بیستم را بیابند.

ظهور جهانی مراکز خرید، در این بازه شصت‌ساله، چنان فرآیندی از استانداردسازی فضا را رقم زد که در تاریخ بشر سابقه‌نداشت. است. در عصر مراکز خرید، ۲۲/۲ درصده سانتی گراد دما و ۳۵۰ لوکس روشنایی

استاندارد این قطعه‌های زمین در گوشه کنار دنیاست. مراکز خرید در هند ابزار توسعه‌اند، در برزیل محل اجتماعات اعتراضی و در ناپرویی هدف عملیات‌های تروریستی. این محل‌ها، از نظر جغرافیدانان و تاریخ‌نگاران، موشمندانه‌ترین فرم

معماری نئولیبرالیسم، ابزارهای محصور کردن و تنفیک قلمرو عمومی، ترکیب فراغت و مصرف و نابودسازی خرده‌فروشان مستقل اند، ولی همیشه که این طور نبوده است. مراکز خرید یک ماقبل تاریخ از جنس سوسیالیستی هم دارند که کمتر از آن می‌دانیم، بازه‌ای که عمدتاً به دست فراموشی سپرده‌ایم. ویکتور گروئن، مبتکر مراکز خرید حومه‌شهری در آمریکا، معمار و سوسیالیست ونیزی بود که پس از اشغال اتریش در ۱۹۳۸ مجبور شد آمریکا بگریزد. به نظر گروئن، مرکز خرید پتانسیل آن را داشت که پراکندگی جماعات حومه شهر را دوباره متمرکز کند. برنامه او

را ه‌اندازی بازارهای داخلی بزرگی بود که متعلق به دولت بودند و می‌توانستند به معنای دقیق کلمه آن نیروهای بازار را، که بیرون دیوارها پراکنده شده بودند، مهار کنند.

او رویایی مدرنیستی از پایه‌ریزی دوباره حیات عمومی آمریکایی داشت. در بسیاری از مراکز که گروئن و شرکتش در دهه ۱۹۵۰ ساختند، می‌شد مولفه‌هایی از این وعده را دید: او مرکز خرید ساوث‌دیل (شهر ادینا، ایالت مینه‌سوتا) را حول یکی از میعادگاه‌های بزرگ شهر، با الگوبرگشتن از پیتاسا (میدان‌هایی به سبک ایتالیایی)، ساخت.

در دهه ۱۹۶۰، مخلوقات گروئن مایه وحشتش می‌شدند. مراکز خرید، همراه با بزرگراه‌ها و رهن‌های ارزان قیمت، با حمایت دولت فدرال، جزئی از آن معماری شده بودند که برتری سفیدپوستان ساکن حومه‌شهر را نشان می‌داد. گروئن در سال ۱۹۶۸ به اتریش برگشت و با خشم مشغول پروژه‌ای شد که می‌خواست عرصه وین را به عابران پیاده برگرداند. او دو سال قبل از فوتش در سال ۱۹۸۰ گفت: «من را اغلب پدر مراکز خرید می‌نامند. می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و یک‌بار برای همیشه منکر این پدری شوم. من به این طفل‌های حرام‌زاده پول نمی‌دهم. آنها شهرهایی را می‌دزدی کنند.» در بریتانیا، آن دوران م‌ترقی ماقبل تاریخ مراکز خرید سابقه‌ای حتی طولانی‌تر و عجیب‌تر دارد. انبیز هاوارد، آن برنامه‌ریز آناشیش که در ۱۸۹۸ رویای آرمانشهری خود را «باغ شهرهای» بریتانیایی را مطرح کرد، به دنبال آن بود که



تحلیل



کتابخانه

معرفی کتاب «زیبایی در متون اسلامی»

زیبایی‌خواهی گرایشی فطری است که در تعیین خط سیر زندگی انسان تأثیر آشکار و نقشی بی‌بدیل دارد که مکتب‌های تقلیل‌گرا با پیدایی مدرنیته در باب زیبایی، هدفی را تزئین می‌کنند تا ناظران زیبایی‌اش را باور کنند. محمدرضا جباران، نویسنده کتاب «زیبایی در متون اسلامی» برای محافظت از نسل نوحاسته اسلامی در برابر این مکتب‌ها، به جمع‌آوری و دسته‌بندی نصوصی از این دست در منابع دینی با اعم از قرآن و روایت که نه تنها در حد نیاز بلکه به مراتب بیشتر در میراث فرهنگی ما وجود دارد پرداخته است. این کتاب اثر محمدرضا جباران از اعضای هیات مدیره انجمن مطالعات نظری طلاب مرکز فرهنگی - هنری دفتر

